



به نام خدا

بوروکراسی و توسعه در ایران

نویسندگان: ابوالحسن فقیهی - حسن دانایی فرد

فصل ۷ - ساختار اجتماعی و اقتصادی دولت صفوی

تلخیص: سیده هدی شمس



ساختار اجتماعی و اقتصادی دولت صفوی*

راجر سیوری

۱. ساختار جامعه صفوی

جامعه صفوی هرمی شکل بود. در رأس هرم شاه قرار داشت. فرمانروایی عادل با هاله‌ای از نیکوکاری که رعایایش در پناه آن می‌زیستند. واژه دولت در ابتدا مفهومی مجرد به معنای «برکت» و «سعادت» داشت اما از ابتدای قرن هفدهم / یازدهم در مفهوم مشخص «کشور» به کار گرفته شد و انعکاسی از این برداشت از فرمانروا بود. به دنبال همین نگرش، صاحب منصبان عمده دولت صفوی ارکان دولت خوانده می‌شدند و وزیر که در رأس دیوان‌سالاری قرار داشت ملقب به اعتمادالدوله شد. در قاعده هرم مردم عادی قرار داشتند که شامل دهقانان مناطق روستایی، صنعتگران، دکانداران و تجار کوچک شهرها بودند. بین شاه و مردم عادی، اشراف لشکری و کشوری و توده‌ای از مقامات روحانی اداره املاک بزرگی را بر عهده داشتند که بنا بر وصیت یا از طریق بخشش‌های افراد برای امور مذهبی فراهم شده بود. اینان با اشراف زمیندار غیرروحانی منافع مشترک داشتند؛ سایر روحانیون که متوجه نقش تاریخی اقشار روحانی به عنوان حفاظی میان قدرت مطلقه فرمانروا و رعایایش بودند نهایت سعی خود را در حفاظت از عامه مردم در برابر مقامات کشوری و لشکری حکومت ظالم به عمل می‌آوردند. میزان ظلم و استبدادی که طبقات پایین و متوسط متحمل می‌شدند با قدرت شاه نسبت عکس داشت.

قطعاً شاه عباس از وضع رعایایش بی‌خبر نبود؛ زیرا با لباس مبدل به قهوه‌خانه‌ها، چایخانه‌ها و حتی روسپی خانه‌های اصفهان سر می‌زد و چنان با جمعیت انبوه میدان نقش جهان می‌آمیخت که برای پلیس‌های امنیتی امروزی موجب نگرانی خواهد شد. او از این فرصت برای آزمایش صداقت مقامات و تجار استفاده می‌کرد. تاورنیه

* برگرفته از کتاب «ایران عصر صفوی»، نوشته راجر سیوری (Roger Savory)، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.



نقل می‌کند که شبی شاه عباس در لباس یک دهقان از قصر خارج و یک من نان (۹۰۰ درهم) و یک من گوشت از دکان‌هایی که در میدان نقش جهان برپا شده بود خرید. شاه عباس اجناسی را که خریده بود به قصر آورد و دستور داد وزیر در حضور مقامات ارشد کشور آنها را وزن کند. نان ۸۴۳ درهم و گوشت ۸۵۷ درهم وزن داشت. به سختی توانستند شاه را از اعدام فوری رئیس امنیه و فرماندار اصفهان منصرف کنند شاه به این رضایت داد که نانو را در تنور خودش اندازند و قصاب را به سیخ بکشند و کباب کنند.

اغلب اشاره شده است که یکی از فرق‌های عمده بین جامعه اسلامی و جامعه غربی، نهادهای مدنی قدرتمندی است که از خود مختاری زیادی برخوردارند و در غرب تکامل یافتند اما جامعه اسلامی فاقد آنهاست. لکن در داخل جامعه اسلامی تعداد قابل ملاحظه‌ای نهادهای محلی دموکراتیک وجود داشت که روی هم عامل وحدت‌دهنده آن جامعه را پدید می‌آورند. نمونه‌های چنین نهادهایی صنف‌های تجار و صنعتگران و تشکیلات اجتماعی - مذهبی نظیر گروه‌های فتوت بودند. اعضای گروه‌های فتوت اغلب از درویش و مردم فقیر بودند و فعالیت‌هایشان اساس اخلاقی و مذهبی داشت. آنها خویشتن را تحت هدایت معنوی یک شیخ صوفی قرار می‌دادند و از قواعد اخلاقی که در دستورالعمل‌هایی به نام فتوت نامه شرح داده شده بود پیروی می‌کردند.

یکی دیگر از مقاماتی که بنا بر تمایل جامعه انتخاب می‌شد کدخدا بود. کدخدا در شهرها به عنوان مأمور اجرای عرف یا قوانین عمومی و به ویژه به عنوان حکم تحت نظر کلانتر (شهردار) انجام وظیفه می‌کرد. مقام کدخدا در نواحی روستایی معمولاً همان ریاست ده بود.

جامعه صفوی را در فرهنگ امروز بایستی شایسته‌سالار^۱ نامید؛ این جامعه به طور قطع، یک نظام حکومتی اشراف سالار نبود، اگر چه عناصر قدرتمند اشراف سالار هم در آن بودند؛ امکان نامیدن آن به عنوان یک الیگارشسی باز هم کمتر است.

نباید فراموش کرد که سیاست شاهان صفوی در ایجاد یک «نیروی سوم» در کشور، که نه از نژاد ترک و نه از نژاد ایرانی بود، گرایش به شایسته‌سالاری را در جامعه صفویه بسیار تقویت کرد.

^۱ Meritocracy .



اگر نظام اداری صفویه به صورت عمودی به شاخه‌های خاصه و عامه یا ممالک تقسیم شده بود، جامعه صفویه تا هنگام ورود عناصر گرجی، ارمنی و چرکس به آن در نیمه دوم قرن شانزدهم / دهم، به صورت افقی و بر طبق ممیزات نژادی، بین دو نژاد «مؤسس» یعنی ترکان قزلباش و ایرانیان تقسیم شده بود. تنش بین این دو عنصر مهم جامعه صفوی، اگر مهار آن در دست بود، می‌توانست خلاق و منبع قدرت کشور باشد؛ و در غیر این صورت می‌توانست نیروی گریز از مرکزی ایجاد کند که جامعه را به از هم گسیختگی تهدید می‌کرد. از زمان شاه طهماسب به بعد فرمانروایان صفوی با اتخاذ سیاست انتقال پسران صاحب‌منصبان قزلباش به دربار سلطنتی برای تعلیم آنان، سعی در تضعیف حد فاصل میان ترک‌ها و تاجیک‌ها (غیرترک‌ها) داشتند که از زمان‌های قبل به دقت رعایت می‌شد. این تعلیمات نه تنها شامل فعالیت‌های مناسب «مردان شمشیر» نظیر تیراندازی، سواری و شمشیرزنی بود بلکه تعلیم نقاشی و نویسندگی را هم شامل می‌شد که مورد تحقیر قزلباش‌های با طرز تفکر قدیمی بود. در نتیجه اتخاذ این سیاست، در زمان شاه عباس اول گروهی صاحب‌منصب جوان قزلباش وجود داشت که از قزلباش‌هایی که به اصل ایللیاتی خود نزدیک مانده بودند، دانش آموخته‌تر و با فرهنگ‌تر بودند و در نتیجه از دانش و توانایی لازم برای تصدی مشاغل اجرایی در بخش‌هایی که تا آن زمان خاص ایرانیان بود، برخوردار بودند.

یک ویژگی مهم جامعه صفوی اتحاد محکمی بود که بین علما و سایر گروه‌هایی که جمع بازار را تشکیل می‌دادند به وجود آمد؛ جمع تشکیل‌دهنده بازار عبارت بودند از بازرگانان، اعضای اصناف (صنف‌های صنعتگران و کسبه) و اعضای انجمن‌های اخوت نیمه مذهبی نظیر فتوت. این اتحاد با ازدواج متقابل بین علما و خانواده‌های بازرگانان استحکام فزاینده‌ای یافت. اینکه در زمان صفویه علما اداره مقدار بسیار افزایش یافته‌ای از موقوفات را به دست آورند، به اشتراک منافع آنان با طبقه بازرگانان کمک کرد. در عین حال برخی علما به صف طبقه زمینداران پیوستند. جدا از زمین‌هایی که در عوض مواجب به صاحب‌منصبان تخصیص داده شد (تیول)، قسمت عمده اراضی را اراضی وقفی تشکیل می‌داد.



۲. ماهیت اقتصاد صفویه

الف. اقتصاد داخلی

پایه‌های دوگانه اقتصاد داخلی گله‌داری و کشاورزی بود و جامعه صفویه همچون جامعه‌ای هرمی شکل توصیف شد. در قاعده هرم دهقانان قرار داشتند. همانگونه که در رده‌های بالایی حکومت و اداره کشور میان قزلباش‌های اهل شمشیر و تاجیک‌های (ایرانیان) اهل قلم دوگانگی وجود داشت، در رده‌های پایینی جامعه هم میان قبایل ترکمن و دهقانان ایرانی دوگانگی وجود داشت. روش زندگی این دو عنصر اصلی اوایل دولت صفوی کاملاً متفاوت بود. قبایل ترکمن گله‌چران بودند و از مردم دور و بر خود مجزا می‌زیستند و بیلاق و قشلاق می‌کردند و به طوایفی تقسیم می‌شدند و از رؤسای خود فرمان می‌بردند. از سوی دیگر دهقانان ایرانی کشاورز و ساکن روستاها بودند. در دوره قبل از شاه عباس اول، بیشتر اراضی برای پرداخت حقوق، به مقامات کشوری و روحانی تخصیص یافته بود. از زمان شاه عباس به بعد اراضی بیشتری تحت نظارت مستقیم شاه درآمد و مستقیماً از سوی ناظرین شاه اداره می‌شد. لکن این تغییر، بر اساس اجاره زمین یعنی موافقت بین مالک و دهقان برای شرکت در محصول بر پایه عوامل پنجگانه (زمین، آب، حیوان، شخم‌زن، بذر و کار) تأثیری ننهاده. اگر دهقان فقط کارش را عرضه می‌کرد از لحاظ نظری تنها ۲۰ درصد از محصول به وی می‌رسید. اما شرایط در بخش‌های مختلف کشور و بسته به نوع محصول فرق می‌کرد.

هنگامی که به بررسی اقتصاد پولی داخلی می‌پردازیم، آشکار می‌شود که شاه بزرگترین سرمایه‌دار کشور بود و بیشترین مقدار نیروی کار را در استخدام داشت.

کارگران کارگاه‌های سلطنتی طبقه‌ای ممتاز از پیشه‌وران بودند. علاوه بر مواجب که مبلغ آن در قرارداد استخدام معین می‌شد و هر سه سال یک بار افزایش می‌یافت، هر کارگر جیره‌ای به شکل یک چهارم پیمانانه، نیم پیمانانه یا یک پیمانانه دریافت می‌کرد. یک پیمانانه شامل «همه چیزهایی بود که برای گذران زندگی لازم است و برای تغذیه ۶-۷ نفر کفایت می‌کرد». کارگران در صورت تمایل می‌توانستند به جای جیره، پول نقد دریافت کنند. ارزش پولی جیره در حدود ۲۰ تومان بود و هنگامی که آن را با میزان دستمزد که بین ۲ تا ۵۵ تومان در سال بود



مقایسه کنیم، آشکار می‌شود که جیره اضافه درآمد مهمی محسوب می‌شد. به علاوه به کارگران بسیار ساعی هدایایی داده می‌شد و گاه کارگران به جای اضافه دستمزد سه سال یک بار، هدیه‌ای که بالغ بر حقوق یکسال می‌شد دریافت می‌کردند. کارگرانی که در کارگاه‌های سلطنتی کار می‌کردند امنیت کامل شغلی داشتند. آنان «مادام‌العم در استخدام نگاه داشته می‌شدند و هرگز اخراج نمی‌شدند؛ در صورت بیماری یا تحلیل نیروی کارشان، مواجب آنها کم نمی‌شد و اطبا و داروسازان دربار آنان را مجانی درمان می‌کردند». این کارگران چه سفارشی^۲ از شاه دریافت می‌کردند و چه دریافت نمی‌کردند، نه تنها حقوقشان را می‌گرفتند بلکه هیچ محدودیتی هم بر سر مقدار کاری که برای نفع شخصی خود انجام می‌دادند وجود نداشت.

به کارگرانی که می‌بایست در سفرهای دربار همراه باشند شتر و اسب داده می‌شد، اما به آسانی می‌توانستند اجازه ماندن در محل خود را به دست آورند یا در عوض، پس از ۶ تا ۱۲ ماه دوری از محل خود، به مرخصی بیایند. فرزندان کارگران از سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی به خدمت گرفته می‌شدند و پس از مرگ پدر حقوق وی را دریافت می‌کردند. اصناف (صنف‌های پیشه‌وران) موظف به انجام بیگاری و همچنین پرداخت مالیاتی به نام بنیچه بودند؛ و تقسیم بنیچه بین اعضای صنف از وظایف کلانتر بود. شاه عباس اول در مورد کارکرد داخلی بازار نیز به اندازه تجارت خارجی علاقه نشان می‌داد.

یکی دیگر از منابع درآمد دولت عوارض راهداری بود که از کاروان‌ها گرفته می‌شد. جمع‌آوری عوارض راهداری بر عهده راهدارهایی بود که در نقاطی نظیر محل‌های عبور از رودخانه مستقر می‌شدند تا حتی بازرگانان حيله‌گر هم نتوانند از برخورد با آنها اجتناب ورزند.

ب. تجارت بین‌المللی

دولت صفویه گرچه به اندازه دولت مغول در هند ثروتمند نبود (کیفیتی که موجب مهاجرت عده زیادی از شاعران صفوی به دربار مغول شد) از هر حکومتی که از زمان مغول به بعد ایران را اداره کرده بود، پرونقتر و

^۲. منظور سفارش ساخت کالا است.



احتمالاً ثروتمندتر به جز از دولت‌های اخیری بود. دولت صفویه به طور عمده با استفاده زیرکانه از تغییر عمده‌ای که در آخر قرن پانزدهم / نهم در موازنه تجارت جهانی روی داد، به این رونق بی‌نظیر دست یافت.